

یاددهی، نه به گفتار

نقش الگویی معلم

ظاهری ترین تعامل معلم و دانش آموز در محیط آموزشی، ارتباط گفتاری است. بر این پایه، معلم را کسی می‌انگاریم که با استفاده از توان سخن گفتن، اندیشه‌ها و اطلاعات را به دانش آموزان منتقل می‌کند. تصویر رایج از نقش حرفه‌ای معلم، تدریس است و تدریس را، بیشتر، فعالیت گفتاری می‌انگاریم. بر پایه این انگاره، دانش آموز هم کسی است که اطلاعات بیان شده را می‌شنود و آن‌ها را یاد می‌گیرد. گویی رابطه معلم و دانش آموز جز ارتباط کلامی، گفتن و شنیدن، نیست. آیا این تلقی ساده‌انگارانه نیست؟

اگر نقش یاددهی معلم را به ارتباط کلامی محدود کنیم و حرفه معلم را همان درس گفتن و فعالیت دانش آموز را همان شنیدن درس بینگاریم، تصویر فرومایه و برداشتی ناقص و کوچک از حرفه‌ای فراخ‌دامن ترسیم کرده‌ایم. این ساده‌انگاری، از ظاهرگرایی بر می‌خیزد. افراد ژرف‌نگر، سطوح پنهان‌تری را در حرفه معلمی و رابطه معلم و دانش آموز رصد می‌کنند. محیط آموزشی، رابطه بسیار پیچیده، تودرتو، چندلایه و مرموزی را بین معلم و شاگرد می‌آفریند. این رابطه کوه یخی را می‌ماند که تنها بخش کوچکی از آن هویدا است و ما بخش پیدا را تدریس به معنای گفتاری نامیده و آن را آموزش مستقیم و رسمی خوانده‌ایم.



رابطه پیچیده و فراخ دامن، که مدرسه و کلاس بین معلم و دانش آموز می آفریند، سبب می شود معلم فراتر از زبان و گفتار با همه شؤون خود یعنی حرکات، سکانات، کردار، نگاه، وضعیت ظاهری و حتی پوشش، یاددهنده باشد. همان گونه که بیان شفاهی معلم در توضیح یک مفهوم یا مسأله، خاصیت یاددهی دارد، نحوه و میزان خندیدن او، نشاط یا بی نشاطی، شیوه حرکات و نگاه و احساس او نیز آموزنده است. پس معلم تنها با زبان و گفتار یاد نمی دهد. این سخن، به ظاهر روشن و پیدا است، این روشنی را نباید به معنای بی اهمیتی پنداشت. کشف اهمیت آن در گرو شناخت ژرفای پنهان و ابعاد نهان آن است. پس تحلیلی افزون تر می بایست:

- چه شؤونی از معلم، خاصیت یاددهی دارد؟ چگونه؟
- خاصیت یاددهی همه شؤون معلم ریشه در چه اموری دارد و تابع کدام عوامل است؟
- خاصیت یاددهی همه شؤون معلم چه آثار و پیامدهایی دارد؟

خاصیت یاددهی همه شؤون معلم ریشه در پیوند و ارتباط خاص بین معلم و دانش آموز دارد. این پیوند را می توان در مفهوم الگوپذیری دانش آموز جستجو کرد. دانش آموز، به طور معمول، معلم را همچون الگوی خود قرار می دهد؛ همانند نقشه ای که یک فرش باف برای بافتن فرش، آن را پیش روی خود می نهد و میزان زیبایی فرش در گرو نقشه ای است که او انتخاب می کند. البته الگوپذیری دانش آموز، بیشتر، ناهوشیارانه است. الگوپذیری سبب می شود دانش آموز معلم را همان "معلمی" بداند و مثلاً نحوه مواجهه معلم با سؤال را الگوی روبه رو شدن با سؤال بینگارد.

 نمونه

مراجعة کننده ای می خواست در خصوص رساله دکتری اش با من رایزنی کند. پس از مختصر آشنایی و پیش از طرح بحث به او گفتم: "شما شاگرد فلانی هستید؟"

با شادابی گفت بله و با شگفتی پرسید: "اما شما چگونه حدس زدید؟" گفتم: "مانند ایشان ژست می گیرید و ابرو می اندازید!"

عوامل فراوانی بر پیوند معلم و دانش آموز تأثیر می گذارند: سن دانش آموز، وضعیت خانوادگی و قومی، محبوبیت معلم، رسانه ها و ... به همین سبب الگوبذیری مراتب، درجات و گونه های مختلف دارند.



کودکی و نوجوانی من در خانواده ای متدین و مذهبی که پیشه کشاورزی داشتند، سپری شد. در این خانواده از هیچ رسانه گروهی مانند (روزنامه، رادیو، تلویزیون و ...) استفاده نمی شد. دانش آموز دوم ابتدایی بودم و البته عاشق درس خواندن. دبستان روبه روی خانه ما بود. گاهی برخی معلمان دبستان به منزل ما می آمدند. روزی سرزده وارد اتاق پذیرایی شدم، امر عجیبی را دیدم و بسیار شگفت زده شدم. چنان شگفت زده که ماجرا را مدت ها با ناباوری برای افراد تعریف می کردم و آن ها به من می خندیدند! ماجرای باورنکردنی من این بود: خانم معلم با چشمان بسته خوابیده بود بی حرکت! درست مثل خود ما!!!

بزرگ تر که شدم دانستم که معلم در آن روزها به نظرم فرشته ای آسمانی و همیشه پرتکاپو بود. از آن پس وقتی مادرم ظهرهای تابستان می خواست مرا بخواباند، دیگر زحمتی نداشت، زیرا من اشتیاق داشتم که همانند خانم معلم استراحت کنم!



دوستی تعریف می کرد که از شدت علاقه به معلم دبستانش، که مسیر بازگشتش از کوچه آن ها بوده است، چه روزها که خود را به سرعت به خانه می رسانده تا



از قضا در یکی از روزها وقتی کنار دفتر معلمان ایستاده بود، می بیند که معلم از دستشویی خارج می شود! به حدی از این حرکت معلم یکه می خورد و ناراحت می شود، که دیگر علاقه اش را از دست می دهد حتی تا مدت ها از رفتن کنار آن پنجره تنفر داشته است!!

معلمی، از سوی دیگر حرفه ای اخلاقی است و تربیت اخلاقی و یا حداقل آموزش اخلاق یکی از مسؤولیت های این حرفه است. آموزش اخلاق به طریق گفتار و مستقیم، کارایی کمتری دارد و روش های غیر گفتاری از جمله شیوه استوار بر الگو بودن معلم، اثربخشی بیشتری دارد. بر این پایه، توصیه شده است که "دعوت کننده مردم {به حق و خیر} باشید نه به گفتارتان".^۱

از رسول خدا، که تزکیه دهنده و یاری دهنده هستند^۲، درود خدا بر ایشان و خاندانشان، به عنوان اسوه یاد شده است: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۳. معلم، نه به گفتار بلکه با همه شؤون خود یاد دهنده است: او یا نیکی، ارزش، مسؤولیت پذیری و زیست اخلاقی را می آموزد و یا زشتی و کاستی، ضد ارزش ها، مسؤولیت گریزی و اخلاق ستیزی را یاد می دهد. به همین سبب، معلم، معمار نیز هست. او یا بنای درستکاری و خیر می نهد و یا بانی رفتارهای ناشایست می شود. البته پیامدهای هر دو به خود او هم برمی گردد، زشت یا زیبا! خاصیت یاددهی همه شؤون معلمی، یک مورد استثناء دارد، غالب دانش آموزان از ادب معلم درس ادب و از بی ادبی معلم درس بی ادبی می آموزند، اما دانش آموزان نادری هم وجود دارند که به سبب برخورداری از هوشیاری و تیزهوشی از کم کاری یا به عنوان نمونه، رفتار تبعیض آمیز معلم، کم کاری و تبعیض یاد نمی گیرد بلکه لقمان وار عمل می کنند.

۱. تَكُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ الْمُنْكَرِ (بهار الاتوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹)

۲. برگرفته از آیات سوره آل عمران و آیه ۲ سوره جمعه.

۳. سوره احزاب، آیه ۲۱

”لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از بی ادبان“.

مهم ترین بحث در این مقام، بیان ابعاد گوناگون خاصیت یاددهی در شؤون مختلف معلمی است.

شؤون مختلف معلمی

۱- تعامل معلم با خود

رفتار ارتباطی، بر پایه طرف ارتباط، چهار گونه است: ارتباط با خدا (رفتار ارتباطی قدسی)، ارتباط با خود (رفتار ارتباطی درون شخصی)، ارتباط با دیگر انسان ها (رفتار ارتباطی بین شخصی) و ارتباط با محیط زیست طبیعی، حیوانی و انسانی (رفتار ارتباطی برون شخصی). در این میان، رفتار ارتباطی درون شخصی، نقش زیرساختی دارد. کسی که خود را بشناسد خدا را نیز می شناسد^۱. در بیشتر موارد با دیگران بر همان سبکی رفتار می کنیم که با خود رفتار می کنیم. کسی که احترام به خود منش او نشده باشد، نمی تواند به نحو پایدار به دیگران احترام بگذارد^۲. همچنین است رازداری، امانت داری و سایر شایستگی ها و بایستگی های اخلاقی. یکی از بخش های مهم رساله الحقوق امام سجاده (ع)، ترسیم وظایف فرد در قبال حقوق خود در دو بعد جسم و نفس است. مسؤولیت پذیری در قبال سلامت و رشد جسمی و روحی خود، از مهم ترین وظایف اخلاقی در رفتار ارتباطی درون شخصی است. اگر ما سبک رفتار ارتباطی با دیگران را بر پایه سبک ارتباط با خود بنا می نهیم، می توان پرسید: سبک ارتباطی درون شخصی (تعامل با خود) را از کجا می آموزیم؟ پاسخ این سؤال را می توان در الگوپذیری یافت. دانش آموز، سبک تعامل با خودش را از شیوه تعامل معلم با خودش می آموزد.

۱. سعدی، گلستان، حکایت ۲۱.

۲. من عرف نفسه فقد عرف ربه (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۲ و ۱۸۹)

۳. من هانت علیه نفسه فلا تامن شره (اعیان الشیعه ج ۲ ص ۳۹)

دانش آموزی که به عنوان مثال، در کلاس شیمی به درس دبیر گوش می دهد، با چشم نیز می آموزد. او با چشم باز، رفتار معلم خود را می نگرد و با همین توان رفتار ارتباطی درون شخصی، معلم را تحلیل می کند و از آن می آموزد:

آیا معلم در فعالیت حرفه ای اش، احترام خود و عزت نفسش را پاس می دارد؟ و یا آن را به بهایی ارزان از دست می دهد؟ آیا معلم با خود مهربان است؟ آیا او خود را می پاید و یا چنان گرم ایفای نقش است که از خود بی خبر و غافل است؟ آیا معلم به خود محاسبه گری و سنجش مستمر خود و فعالیت های خود می پردازد؟ آیا معلم، که همه را پند و نصیحت می دهد، بر خود نیز پند می دهد و یا خود را فراموش کرده است؟^۱ آیا او حریم خصوصی اش را حفظ می کند و یا به خود افشاگری می پردازد؟ میزان توجه و پابندی او به سلامت فردی، بهداشت جسم و روان تا چه اندازه ای است؟ آیا او خارهایی را که بر دل می روند و دل را می میرانند، می بیند و برای دوری از این خارها حزم و احتیاط می کند؟ میزان خودشناسی او چقدر است؟ آیا او خود را می شناسد و یا به انگاره ای ناموزون و پنداری از خود، دل خوش کرده است؟ رفتار معلم با خود، چه فضیلت و چه رذیلت، به صورت ناهوشیار اما مؤثر و پایدار، سبک رفتار دانش آموز با خود را به وی یاد می دهد. دبیر ریاضی تنها معادله دو مجهولی درس نمی دهد، بلکه سبک ارتباطی دانش آموز با خودش را نیز یاد می دهد، درس اول به گفتار است اما درس دوم به کردار! درس نخست آشکار و مستقیم و درس دوم پنهان و غیرمستقیم است.

۲- بهره وری در فعالیت حرفه ای

آیا تاکنون برای اخذ خدمات یا گرفتن مجوز و یا انجام کاری به سازمان دولتی یا عمومی مراجعه کرده اید؟ آیا مواردی پیش آمده است که کارگری کارمندی

۱. من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره (نهج البلاغه، حکمت ۷۱)

شما را آزرده خاطر کند؟ وقتی که از کم کاری و اهمال ورزی و یا ارائه خدمات بدون دقت و بدون سرعت کارمندی به ستوه می آید، به این نکته توجه کنید که: این کارمند کارگریز روزی روی نیمکت مدرسه یا دانشگاهی بود و کم کاری و کارگریزی معلم و استاد را نظاره گر!

نحوه فعالیت معلم یا استاد در کلاس خاصیت یاددهی دارد: کم کاری یا وجدان کاری.

میزان بهره‌وری فعالیت حرفه‌ای معلم در تدریس، تمرین، آزمون و ارزیابی و... خاصیت یاددهی دارد.

نمونه

در دوره دانشجویی توفیق حضور در کلاس استادی را داشتم که بسیار بانشاط و فعال بود. او هرگز به گفتار دانشجویان را به پرکاری، مطالعه و درس خواندن دعوت نکرد، اما به کردار به گونه‌ای بود که دانشجویان به مطالعه و سخت کوشی اشتیاق می‌یافتند. این رفتار به حدی قوی بود که بسیاری از دانشجویان با مقایسه خود و استادشان احساس کم کاری و از دست دادن وقت داشتند. این امر در آن‌ها علاقه‌ای بسیار برای شبیه شدن به استاد پدید می‌آورد، حتی بسیاری برای ادامه تحصیل در درجات بالاتر علمی، تخصص رشته‌های خود را رها کرده، گرایش استاد را برمی‌گزیدند.

وقتی که بهره‌وری و سخت کوشی در دانشجو به صورت منش و ملکه درآید، وی پس از تحصیل در فعالیت حرفه‌ای هم، سخت کوش می‌شود و شهروندان از خدمات او رضایت می‌یابند. این وضعیت را می‌توان با دانش‌آموزی مقایسه کرد که معلم او کم کاری را زیرکی می‌انگارد!

آری می‌توان با بهره‌وری در فعالیت آموزشی، دانش‌آموزان را در عمل به



بهره‌وری فراخواند و با ترویج عملی بهره‌وری، آن را به سرمایه و قدرت ملی تبدیل کرد و برعکس کم‌فروشی معلم، کم‌کاری و کم‌فروشی را در جامعه رواج می‌دهد و جامعه را از پویایی و ثروتمندی دور می‌کند.



نمونه

آذرنگ در خاطراتش در مقطع دکتری، درباره یکی از استادان می‌نویسد: استاد سوم، رندانه و با تعارفاتی از این دست که «اختیاردارید و خودتان استاد هستید، و بنده کمترین را چه به شما درس بدهم» دوره را رسماً ماست مالی کرد، و البته حق‌التدریسش را گرفت.^۱



نمونه ای دیگر

با شوق و ذوق سر کلاس فوق لیسانس نشسته بودم. کلاس ۳ واحدی روش تحقیق رو باید در ۱۶ جلسه می‌گذراندم. استادم جلسه اول آمد و حسابی به شرح تجارب خود در دانشگاه ایندیانا پرداخت. طرح درس ارائه کرد با یک مشت پروژه برای طول ترم، در کلاس ۳ نفر بودیم، بعد از جلسه اول - که خود استاد تدریس کرد - ۳ جلسه دیگر را ما کنفرانس دادیم. سایر جلسات هم به عناوین مختلف تعطیل شد و اینگونه بود که از ۱۶ جلسه ما کلاً ۴ جلسه کلاس داشتیم.

۳- نگاه مهربان مادرانه

ارتباط بصری یکی از رفتارهای ارتباطی بین شخصی معلم با دانش‌آموز است. ما به هنگام تدریس، چشم خود را نمی‌بندیم، به یک‌یک دانش‌آموزان نگاه می‌کنیم و گاهی نحوه نگاه ما تغییر پیدا می‌کند. نگاهی از سر خشم، نگاه همراه با تمسخر و تحقیر، نگاه بی‌تفاوت، نگاه مهربان مادرانه و پدرانه. نحوه ارتباط بصری، آکنده از پیام است: پیام محبت و آرامش یا پیام ترس و خطر! هر نگاهی پیامدهایی

دارد. بحث ما تحلیل پیامدهای نگاه معلم به دانش‌آموزان نیست، بلکه سخن در خاصیت یاددهی نگاه معلم است.

دانش‌آموزان به صورت ناهوشیار از نگاه معلم، نگاه کردن به دیگران را می‌آموزند. نحوه ارتباط بصری معلم با دانش‌آموزان به روش‌های پنهان و غیرمستقیم، سبک ارتباط بصری را به آنان یاد می‌دهد. بر این پایه، من معلم در شکل‌گیری سبک نگاه کردن دانش‌آموزان به دیگران تأثیر دارم و این تأثیر مسئولیت‌آور است.

۴- کردار نرم و محترمانه

مهم‌ترین عنصر در تعامل اخلاقی با خود و دیگران، احترام است. دانش‌آموز معلم خود را می‌نگرد که با دانش‌آموزان چگونه رفتار می‌کند: آیا این رفتار محترمانه است؟ دامنه پایداری معلم به مواجهه محترمانه با دانش‌آموز چقدر است؟ آیا احترام او به افراد مشروط است یا با احترامی نامشروط روبروست؟ محترمانه بودن و یا توهین‌آمیز بودن رفتار معلم با دانش‌آموزان، درس ادب یا بی‌ادبی می‌دهد.

احترام چیست؟ واژه احترام کاربردهای گوناگونی دارد گاهی در کاربرد بسیار فراگیر و به معنای پایبندی به حقوق افراد به کار می‌رود. احترام در این کاربرد بیش و کم با مفهوم اخلاق در تعریف ما، یکسان است. اگر در بیان حقوق افراد، از حق احترام‌شدن یاد کنیم، واژه احترام را در معنای خاص به کار می‌بریم. احترام در این کاربرد در برابر توهین و خوار داشتن به کار می‌رود. احترام را می‌توان به دو صورت تعریف کرد. احترام در تعریف ایجابی، رفتار ارتباطی است که احساس ارزشمندی (کرامت) را به طرف ارتباط منتقل کند. بیان سلبی احترام که به مرتبه فروتر آن اشاره می‌کند، خودداری از رفتاری است که احساس حقارت را به طرف مقابل منتقل کند.



۵- گفتار استوار و شفقت آمیز

مهم ترین فعالیت معلم در کلاس سخن گفتن است. گفتار محتوایی دارد و شیوه ای. محتوای گفتار دبیر فیزیک در کلاس، مسائل و نظریه های فیزیک است، اما محتوای گفتار فقط، محدود به آن نیست. سخن می تواند به لحاظ محتوا هزل، هجو، جد، مفید، مضر، سست و استوار باشد. ارتباط کلامی سبک های گوناگون دارد. هر سبکی، همانند آنچه در نحوه نگاه گفتیم، دارای پیام و تأثیر خاص است: درشت گویی، گفتار همراه با شفقت، گفتار توهین آمیز، پر خاشگری و...

نمونه

آموزگار کلاس سوم، آسوری مسلمان شده ای بود که اسم و مذهبش را عوض کرده بود، اما لهجه اش عوض نشده بود، و من نمی دانستم برخی واژه ها را آن طور که او تلفظ می کرد ادا کنم، یا آن گونه که پدر و مادرم تلفظ می کردند، و از من می خواستند تکرار و تکرار کنم. نبردی پنهان میان دو جبهه برقرار بود، و من به انگیزه ای ناشناخته، همیشه می خواستم طرف آقای معلم را بگیرم که تلفظش را از تلفظ اعضای خانواده بیشتر دوست داشتم^۱.

یکی از نیازهای دانش آموز در رشد شخصیت و مهارت زندگی، ارتقای سبک گفتاری از طریق مهارت مدیریت زبان است. مدیریت زبان مهم ترین عنصر در مدیریت خویش است. دانش آموز، مدیریت زبان را نیز از سبک گفتاری معلم خود می آموزد. این آموختن آشکار و مستقیم نیست اما پایدار و ماندگار است. سبک ارتباط کلامی معلم، از طریق الگو شدن، خاصیت یاددهی دارد. دانش آموز نحوه سخن گفتن معلم را نیک می نگرد: توجه یا بی مبالاتی او در رعایت قواعد زبان در گفتار، اهمیت دادن و یا بی توجهی به جنبه های اخلاقی ارتباط کلامی، استواری و یا سستی در سخن، همه خاصیت یاددهی دارند.

در فصل ششم درباره مهارت‌های گفتاری و مدیریت زبان بحث می‌کنیم.

۶- اقتدار همراه با صمیمیت

اقتدار از فضایل حرفه‌ای در حرفه‌هایی چون مدیریت، قضا و معلمی است. در برابر آن رذایلی چون قدرت‌نمایی و نبود قاطعیت قرار دارد. موارد فراوانی را می‌بینیم که فرد مرز اقتدار را با سلطه‌گری و قدرت‌طلبی تشخیص نمی‌دهد و در پی فضیلت اقتدار، گرفتار رذایلی چون سلطه‌گری و قدرت‌نمایی می‌شود. اقتدار همراه با صمیمیت، دارای چند مؤلفه مهم است: صداقت، صراحت، احترام اصیل و متقابل، حفظ استقلال طرفین و ... بر این پایه، مفهوم اقتدار همراه با صمیمیت، به مفهوم قاطعیت نزد روانشناسان، نزدیک است و از سه سبک رفتاری دیگر، یعنی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و پرخاشگری متمایز می‌شود.

سبک ارتباطی معلم، الگوی سبک ارتباطی دانش‌آموز با خود و دیگران می‌شود. دانش‌آموز از پرخاشگری معلم، درس پرخاشگری می‌آموزد و از قاطع و مقتدر بودن معلم نیز قاطعیت و اقتدار یاد می‌گیرد. شاگرد تأثیرپذیر از معلم سلطه‌گر، به سلطه‌گری می‌گراید و شاگرد تأثیرپذیر از معلم سلطه‌پذیر و کمرو، همانند معلم خود می‌شود. این امر در خصوص سبک‌هایی چون مواجهه منصفانه با دانش‌آموز نیز صادق است.

۷- مواجهه با سؤال دانش‌آموزان

سبک پاسخگویی معلم به سؤال‌ها در کلاس، چه خوب و چه بد، خاصیت یاددهی دارد. دانش‌آموزان همان سبک را الگو قرار می‌دهند و یاد می‌گیرند که با همان سبک به سؤال افراد پاسخ دهند. سبک پاسخگویی معلم به سؤال دانش‌آموز، خود چیزی است که این معلم، از معلم خودش آموخته است.

۸- ارزش داوری

یکی از فعالیت‌های انسان‌ها داوری در خصوص شخصیت و رفتار دیگران است.



فردی به خواستگاری یکی از فامیل‌ها می‌آید و تب ارزش‌دآوری در خصوص خواستگار، بالا می‌گیرد و همه در خصوص همه امور وی به دآوری می‌نشینند. (در فصل بعد به تفصیل بیان خواهد شد).

معلم نیز در فعالیت کلاسی، ناگزیر از دآوری است. دآوری دارای مسئولیت است، زیرا با دآوریِ بد، حقوق افراد از بین می‌رود، حرمتشان می‌شکند و یا خدمتشان نادیده گرفته می‌شود و مسئولیت‌پذیری در ارزش‌دآوری سبب می‌شود تا در دآوری احتیاط کنیم و بدون مستندات و ادله کافی دآوری نکنیم. اما مسئولیت‌گزیزی سبب بی‌مبالاتی در ارزش‌دآوری می‌شود. ارزش‌دآوری و به‌طور کلی دآوری هم مانند هر رفتار دیگر دارای سبک است: دآوری منصفانه، دآوری شتاب‌زده، دآوری محتاطانه، دآوری درست و

دانش‌آموز در کلاس، سبک دآوری معلم را نیز می‌بیند و آن را الگوی خود قرار می‌دهد. معلم بدون آنکه توصیه‌ای شفاهی کند با شیوه دآوری خود، سبک ارزش‌دآوری را به دانش‌آموز یاد می‌دهد و البته در پیامدهای ارزش‌دآوری دانش‌آموزش شریک می‌شود.

۹- سخاوت علمی

مهم‌ترین خصلت معلمی، بخشندگی علمی او است اما کسانی که معلمی را فروتر از یک شغل می‌انگارند در آموزش نیز بخل می‌ورزند. دانش‌آموز هر دو خصیصه را در معلم خود می‌بیند: از سخاوت علمی درس سخاوت می‌آموزد و فردا اگر مدیر سازمانی باشد، سخاوت علمی به جانشین‌پروری تبدیل می‌شود و از بخل معلم، امساک می‌آموزد و از هراس اینکه دست زیاد می‌شود، به دیگران یاد نمی‌دهد.

۱۰- مواجهه عادلانه و منصفانه

هر انسانی عدالت را می‌ستاید و ستم و تبعیض را نکوهش می‌کند. انصاف فراتر و لطیف‌تر از عدالت، نسیمی است که دانش‌آموز را می‌نوازد و بی‌انصافی دشمن‌های

است که زخم پایدار بر جا می‌نهد. دانش‌آموز با نگاه معصومانه اما تیز می‌نگرد. او مواجهه معلم با همه هم‌کلاسی‌های خود را می‌سنجد، مواجهه عادلانه یا تبعیض را می‌بیند و می‌آموزد که با دیگران چگونه مواجهه کند. مواجهه منصفانه و عادلانه ابعاد فراوانی دارد و شامل ارتباط کلامی، ارتباط بصری، دآوری، ارزشیابی، تشویق و تنبیه و مانند آن‌ها می‌شود.

نمونه

دانش‌آموز بسیار باهوشی داشتم که با بعضی از معلمان، سازش نداشت. در علت این جدل که دقیق شدم یافتم که معلمان او را نیز همانند سایر دانش‌آموزان قضاوت می‌کنند و برای برنامه‌ریزی همه بچه‌ها نسخه‌ی یکسان می‌پیچند. در نتیجه‌ی این رفتار، همکاری این دانش‌آموز باهوش به حداقل رسیده بود. زمانی که نوبت به من رسید با اینکه دیدم تمام تکالیفش را در زنگ تفریح می‌خواند و انجام می‌دهد از او تشکر کردم و از اینکه به من اعتماد کرده و دفتر برنامه‌اش را با صداقت تمام در اختیارم گذاشته، خوشحال بودم. بعدها از دانش‌آموزان شنیدم که این برخورد من برایشان عادلانه تلقی می‌شود، برای همین، آنچه را از ایشان درخواست می‌کردم می‌پذیرفتند و در نهایت تعجب سایر معلمان، با من بسیار همکاری می‌کردند.

۱۱- پوشش برازنده

بحث از شیوه خاص پوشش، در همه حرفه‌ها مطرح می‌شود و سازمان‌ها قواعد و اصولی را در این خصوص تدوین می‌کنند که به کدهای پوشش^۱ معروف‌اند. پوشش در معلمی از حیث خاصیت یاددهی آن اهمیت بیشتری دارد. احترام به هنجارهای اجتماعی مهم‌ترین اصل در کدهای پوشش است.



۱۲- روحیه آموزش پذیری

در بحث از تعهد حرفه‌ای، در فصل سوم، در اهمیت روحیه آموزش‌پذیر بودن معلم سخن گفتیم. دانش‌آموز کلاس را آزمایشگاهی می‌انگارد و روحیه معلم خود را در آن به دقت می‌آزماید: آیا معلم که این همه به یادگرفتن و مطالعه کردن ترغیب و سفارش می‌کند، خود فرصت‌های یادگیری را شکار می‌کند؟ خود به مطالعه کردن در عمل بها می‌دهد؟ آیا حاضر است حتی از دانش‌آموز خود نکته‌ای را یاد بگیرد یا غرور و بی‌حوصلگی او را آموزش‌گریز کرده است؟

تأثیر معلم بر اخلاق شهروندی و اخلاق حرفه‌ای جامعه

توجه به خاصیت یاددهی رفتار معلم در کلاس، که در دوازده مورد برشمرده‌ایم، نشان می‌دهد معلمان نقش مهمی در صعود و یا سقوط اخلاق شهروندی و اخلاق حرفه‌ای دارند. ادعا این نیست که کوزه همه نابسامانی‌های اخلاقی در شهر و سازمان‌های حرفه‌ای بر سر معلمان می‌شکند بلکه مراد، نشان دادن یکی از عوامل مؤثر است. برخی از همکاران در مواجهه با این بحث به سراغ عوامل بیرونی می‌روند و ظلم، ستم، نابرابری، عدم امنیت معیشتی را که بر آن‌ها تحمیل می‌شود، برمی‌شمارند. جستجو از علل، ما را از معلول دور نمی‌سازد و نقش ما معلمان را در وضعیت اخلاقی جامعه کمرنگ نمی‌کند. اما در پی علل بیرونی رفتن می‌تواند سازوکار روانی فرافکنی در توجیه رفتارها و آرام کردن وجدان باشد. هزار و یک بهانه بر مسئولیت‌گریزی می‌توان برشمرد و در عمل نیز عوامل فراوانی سبب کم‌کاری در کلاس و سایر خطاهای اخلاقی وجود دارد. اما این عوامل نشان می‌دهند رفتارهای غیراخلاقی ما طبیعی (دارای علت) است اما نشان نمی‌دهند که رفتارهای غیراخلاقی ما موجه نیز هستند.

ابعاد گوناگون خاصیت یاددهی معلم

۱	تعامل معلم با خود	۷	مواجهه با سوال دانش‌آموزان
۲	بهره‌وری در فعالیت حرفه‌ای	۸	ارزش داوری
۳	نگاه مهربان جاودانه	۹	سخاوت علمی
۴	کردار نرم و محترمانه	۱۰	مواجهه عادلانه و منصفانه
۵	گفتار استوار و شفقت‌آمیز	۱۱	پوشش برآزنده
۶	اقتدار همراه با صمیمیت	۱۲	روحیه آموزش‌پذیری

نمودار شماره ۸